



جایگاه زبان و ادبیات ایران در جهان معاصر

در گفت و گو با دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن

جام جهان بین مجموعه‌ای از مقالات او در باب ادبیات و نقد ادبی هستند؛ روزها، داستان زندگی پرفراز و نشیب دکتر اسلامی ندوشن به قلم خود اوست؛ ایران را از یاد نبریم، ایران لوک پیر، ایران و یونان در بستر باستان، ایران و تنهائیش، سخن‌ها را بشنویم و هشدار روزگار، شامل دیدگاه‌های او درباره ایران و جهان است؛ کارنامه سفر چین و صفیر سیمرغ، شرح مسافرت‌های او و دیده‌ها و شنیده‌هایش در این مسافرت‌هاست. دکتر اسلامی ندوشن در ادامه دلبستگی به ادب ایران، در چند مجموعه، به شعر برخی شاعران بزرگ پرداخته است: از رودکی تا بهار در پاییز، ناردا نه‌ها.

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن دارای کارنامه‌ای سنگین و پر بار در عرصه فرهنگ ایران است. از مهم‌ترین برگ‌های کارنامه فرهنگی ایشان انتشار فصلنامه «هستی» به مدت ۱۰ سال است. آخرین شماره این فصلنامه که در زمینه تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران منتشر می‌شد، در زمستان ۱۳۸۵ منتشر شد.

متن حاضر، حاصل گفت‌وگوی کوتاه با دکتر محمدعلی اسلامی

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، محقق و اندیشمند بزرگ ایران، از معدود پژوهشگران و استادانی است که نسبت به فرهنگ و میانی اندیشه ایرانی به ویژه آفرینندگان شاهکاری‌های ادب فارسی شناخت عمیق و علمی دارد و در عین حال با میانی فرهنگی آن سوی مرزها و دنیای غرب نیز آشناست. دکتر اسلامی ندوشن تا کنون کتاب‌های بسیاری در زمینه فرهنگ و ادب ایران منتشر کرده است. تحلیل‌های او از اوضاع فرهنگی این مرز و بوم و برداشت‌های او از سرنوشت تاریخی این کشور و دید او نسبت به مردم ایران برای شناخت ایران و مردم آن بسیار راهگشاست. از مهم‌ترین آثار او می‌توان به این موارد اشاره کرد: زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه، سرو سایه فکن، ایران و جهان از نگاه شاهنامه و داستان داستان‌ها درباره فردوسی و شاهنامه؛ ماجرای پایان‌ناپذیر حافظ و تأمل در حافظ درباره شاعر بزرگ ایران، حافظ شیرازی؛ چهار سخنگوی وجدان ایران درباره چهار خداوند شعر ایران فردوسی، مولانا، سعدی و حافظ؛ باغ سبز عشق، گزیده‌ای است از مثنوی حضرت مولانا و شرح و توضیح آن؛ آواها و ایماها و

اینکه از ادبیات فارسی کمتر در جهان حرف زده می‌شود، علت آن است که در دنیای این دو سه قرن اخیر، اهمیت هر کشور و حضور جهانی آن، به اقتصاد و سیاست وابسته شده است

غرب رایج و مطرح است (به معنی اصطلاحی آن) متفاوت است. این تفاوت، چقدر در جایگاه زبان و ادبیات فارسی در دنیا مؤثر بوده است؟

اسلامی ندوشن: دیدگاه ایرانی در ارزش‌گذاری اثر، با دیدگاه غربی (که تقریباً دیدگاه جهانی شده) تفاوت داشته است. اما طی این صد ساله اخیر موج رپایش به جانب غرب، دید ایران را التقاطی کرده. ما چیزی را می‌پسندیم که تصور کنیم که غربی‌ها آن را می‌پسندند. البته هر دوران پسند خاص خود را دارد. مثلاً گلستان سعدی یک اثر بزرگ ادب در ایران شناخته شده است، ولی اگر کسی امروز به سبک گلستان نثر بنویسد، نه تنها خریدار نخواهد داشت، بلکه مسخره نمود خواهد کرد، زمانه تغییر کرده و بر پسند و ناپسندها دید غربی حاکم گردیده و معیارهای نقد، بیشتر جنبه جهانی پیدا کرده است تا محلی.

به نظر می‌رسد، نظریه‌پردازی در حوزه ادبیات در کشور ما ضعیف و تقریباً در حد هیچ است. نظر حضرت‌عالی در این باره چیست؟

اسلامی ندوشن: نظریه‌پردازی در حوزه ادبیات، اگر در کشور ما ضعیف است، برای آن است که مبانی فکری ضعیف است. اظهار نظر به عمق راه نمی‌یابد. مسائل معنوی جدی گرفته نمی‌شوند. نمی‌گویم کوشش‌های پراکنده و تک‌تک در کار نیست، ولی با یک گل بهار نمی‌شود. آن شوق و ممارستی که در گذشته بود، ضعیف گردیده، و بیشتر از مسائل روزمره اندیشیده می‌شود. ادبیات چون یک امر ذوقی است، بیشتر از مسائل دیگر در معرض سلیقه‌گرایی و سبک‌انگاری است.

در ادامه همان مسئله کم مطرح شدن ادبیات ایران در جهان، باید به مسئله جایزه ادبی نوبل هم اشاره کرد. تا کنون در میان برندگان جایزه نوبل ادبیات، هیچ ایرانی را ندیده‌ایم. شما علت این امر را چه می‌بینید؟ آیا واقعاً میزان کیفیت و ارزش ادبی آثار ایرانی نازل است یا مسائل دیگری مطرح است؟

اسلامی ندوشن: برای ربودن جایزه نوبل باید مورد پسند غربی‌ها واقع شد، و این پسند واقع نمی‌شود مگر آنکه تا حدی در قالب معیارهای آنها قرار گیری. گذشته از آن جنبه سیاسی هم دارد. یا باید پشتیبانی دولت متبوع نویسنده با شخص همراه باشد و یا برعکس مخالفت دولت متبوع، که علی‌رغم او یک نویسنده را شاخص کنند. کمانکه در مورد پاسترناک و سولژتسین چنین شد، و تا حدی نجیب محفوظ مصری نیز، که نسبت به اسلام‌گرایان نظر نامساعد داشت. در ایران زمینه اشتها

ندوشن در دفتر ایرانسرای فردوسی است درباره زبان و ادب فارسی و جایگاه آن در جهان معاصر.

جناب استاد، لطفاً پیش از هر سخنی، مختصری درباره موقعیت و جایگاه زبان و ادبیات ایران در جهان معاصر بیان بفرمائید.

اسلامی ندوشن: زبان فارسی در ایران بعد از اسلام این خصوصیت را داشته که شخصیت و تمامیت ایران را نگاهبان باشد، و علی‌رغم پراکندگی سیاسی، از او سرزمینی یکپارچه بسازد و آن را بر سر پا نگه دارد. بدون کمک زبان فارسی دری که به سرعت رشد کرد، کشور پهناوری چون ایران، تحت یک لوای فرهنگی باقی نمی‌ماند. اهمیت دوم این زبان در آن است که چند شاهکار فکری و ادبی در خود پدید آورده، و از این جهت ایران را در ردیف چند کشور با اعتبار جهان قرار داده است.

امروزه در جهان از ادبیات ایران کمتر صحبت می‌شود و ادیبان ایرانی کمتر مطرح می‌شوند، به نظر شما علت این امر چه می‌تواند باشد؟ آیا این امر تنها به علت تفاوت برداشت و تعریف غربیان و شرقیان از مفهوم ادبیات است یا علل دیگری می‌تواند داشته باشد؟

اسلامی ندوشن: اینکه از ادبیات فارسی کمتر در جهان حرف زده می‌شود، علت آن است که در دنیای این دو سه قرن اخیر، اهمیت هر کشور و حضور جهانی هر کشور به اقتصاد و سیاست وابسته شده است. کشورها در عرف بین‌الملل به پیشرفته و عقب‌مانده تقسیم شده‌اند و چون پیشرفتگی با معیار صنعتی بودن و رشد اقتصادی سنجیده می‌شود، کشوری که در جرگه پیشرفته‌ها نبود، ولو با سابقه فرهنگی و تاریخی پربار، حضور او در جهان کمرنگ شناخته خواهد شد.

علت دوم آن است که ارزش‌گذاری اثر ادبی یک کشور از دیدگاه غربی است، سلیقه و پسند او در میان تعیین‌کننده است. اگر اثری در قالب فکری او قرار نگیرد، به دشواری راه به شناخته شدن می‌برد.

اما در عین حال همه اینها یکسره تابع علت بیرونی نیست. به داخل هم مربوط می‌شود. اگر اثر مهمی در هر زبانی، پدید آید، به شرط ارزنده بودن بالاخره راه خود را به جلو می‌گشاید. البته اگر زمینه داخلی مانع‌انگیز نباشد. چنانکه می‌دانیم چند اثر بزرگ زبان فارسی به بخش عمده‌ای از دنیا راه پیدا کرده‌اند، منتها در دایره خواص مانده‌اند.

مسئله مبانی نقد و نظریه ادبیات در ایران با آنچه در دنیای



بشناسد. در این صورت نویسنده احتیاج به کمک نخواهد داشت، همین اندازه که راه در جلوییش باز باشد راضی است. مثالی بیاورم. چین کشور بزرگی است. با سابقهٔ دیرینهٔ فرهنگی و نام و آوازه و جمعیت بیشتر از یک میلیارد. با این همه، هنوز طی این چند دهه نویسندهٔ جهانمداری پیدا نکرده است، برای آنکه شرایط مساعد نبود. کمبود اکسیژن معنوی برای تنفس مانع کار بود. دولت چین، بعد از بیرون آمدن از انقلاب فرهنگی، کوشش‌هایی در این زمینه نشان داده، ولی به هیچ وجه کافی نبوده. مثلاً مؤسسه‌ای درست کرده که ترجمه آثار چینی را به زبان‌های دیگر تشویق کند و انجمن نویسندگان را اجازه داده که گرد هم جمع شوند، اما در «دایره‌های معین»، این «دایرهٔ معین» است که همیشه مسئله‌ساز است. زیرا یا استعدادها را وامی‌دارد که به محصور بودن قناعت ورزند که در این صورت پر و بالشان بسته می‌ماند، و اگر بخواهند حصار را بشکنند، آنگاه چه بسا لازم بشود که دل از خاک خود برکنند. در حالی که نوشتهٔ واقعی باید بوی خاک وطن بدهد. بیرون از خاک اصلی، حکم درختی پیدا می‌کند که آن را در گلدانی بنشانند.

همان‌طور که می‌دانید بسیاری از نظریات و تئوری‌های زیباشناسی، زبان‌شناسی و نقد ادبی که امروز در دنیا مطرح است، به نحوی در سابقهٔ ادبی و منابع علوم بلاغی ایرانی - اسلامی مطرح بوده و اکنون وجود دارد. نظر شما در این باره چیست؟

اسلامی ندوشن: وقتی ابزار فنی فرنگی به کار گرفته می‌شود، خواه‌ناخواه روش کاربرد آنها نیز باید به کار افتد. در مورد ادبیات هم همین است. وقتی رمان و شعر نو می‌نویسند، که هر دو از فرنگی‌ها اقتباس

نویسنده به طوری که بتواند جلب اظهارنظر جهانی بکند، فراهم نبوده. **در آن ارتباطی که ادبیات ایران و فضای فرهنگی دنیا با هم دارند، و پیشتر هم حضرت‌عالی به آن اشاره کردید، نقش سیاست چقدر مهم است؟**

اسلامی ندوشن: موضوع سیاست البته در کار بوده، ایران کشور سیاسی است، باید جهت‌گیری داشت. یک نویسنده در یک کشور شرقی، یا در خط دولت حرکت می‌کند، یا در جهت خلاف دولت. در هر دو حال، قضیه از سیر طبیعی او جلو می‌گیرد. اگر او بخواهد هم‌زبانی با حکومت بکند، دیگر حرفی برای گفتن نخواهد داشت. اگر بخواهد زبان خود را آزاد بگذارد، و حق نویسندگی را ادا کند، زندگی برایش مشکل خواهد شد. این است که باید «خودسانسوری» بکند و در این صورت در تنگنای خودسانسوری رمق خود را از دست می‌دهد. نویسندهٔ واقعی - یعنی کسی که شایستهٔ این نام است - از جهتی امانتدار مردم است. آنان او را سخنگوی خود کرده‌اند و او باید حق این حس اعتماد را پاس دارد. از سوی دیگر، یک جامعه و یک نظام باید در حالت هماهنگی، زمینهٔ رشد و کشف استعدادها را فراهم کند؛ اگر این زمینه فراهم نبود، استعدادها در خاموشی به هدر می‌روند.

آیا کم‌کاری و سرمایه‌گذاری اندک از سوی دولت می‌تواند نقشی در کمتر مطرح شدن ادبیات ایران در جهان داشته باشد؟

اسلامی ندوشن: همان‌گونه که گفتیم دولت مؤثر است، ولی نه در حالی که به نویسنده بگوید: مطابق میل من حرف بزن و من به تو کمک می‌کنم، بلکه او را به عنوان یک شهروند صاحب حق و صاحب فکر

دیدگاه ایرانی در ارزش‌گذاری اثر، با دیدگاه غربی (که تقریباً دیدگاه جهانی شده) تفاوت داشته است. اما طی این صد ساله اخیر موج ربایش به جانب غرب، دید ایران را التقاطی کرده. ما چیزی را می‌پسندیم که تصور کنیم که غربی‌ها آن را می‌پسندند

را ابراز نمی‌کنند. همین‌گونه‌اند سایر مسائل بنیادی. از هر چیز گذشته، مقارنه آثار ادبی مختلف می‌تواند به تفاهم میان ملت‌ها کمک کند، و احساس‌های مشترک انسان‌ها را به تشریح بگذارد.

نقد ادبی در جامعه ما به قول مرحوم دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، نقدی است بیمارگونه. وضعیت آموزش نقد ادبی در دانشگاه‌های ما هم وضعیت مطلوبی نیست. به نظر شما وضعیت نقد ادبی در جامعه امروز ما چگونه است؟

اسلامی ندوشن: نقد ادبی به مفهوم جدید، هنوز در کشور ما درست جا نیفتاده، منظوم بررسی و ارزیابی موشکافانه و بی‌طرفانه یک اثر است. غالباً یا «تقریباً» است، یعنی تعریف خارج از قاعده، یا احیاناً نفی کردن و یا سرسری از آن گذشتن. این ناشی از روحیه تفکر «قبیله‌ای» است که باید چیزی را یا سراپا دوست داشت و یا دشمن، بسته به آنکه خودی باشد یا غیرخودی. این طرز فکر باید جای خود را به تفکر عمومی بدهد تا ثمربخش شود.

به این سبب، نقد ادبی در دوران ما اکثراً کمک‌چندانی به روشن شدن افق اثر نمی‌کند، یا بده‌بستان است، یا تصفیه حساب و یا ادای تکلیف. زمانی ما می‌توانیم به نقد قابل اعتنا برسیم که بر پایه یک سلسله اصول قضاوت کنیم، از این‌رو من به نظر خواننده بیشتر به‌ما می‌دهم تا ناقد. البته کمبود داوری درست، حکایت از آشوب ارزش‌ها می‌کند و در وجهه بین‌المللی اثر نیز تأثیرگذار می‌شود.

کاری که نهادهای فرهنگی دولتی برای بهبود وضعیت ادبیات ایران و ارتقاء جایگاه آن در جهان می‌توانند انجام دهند چیست؟

اسلامی ندوشن: حکومت کاری که می‌تواند بکند آن است که با مردم رایگان باشد، با فکر رایگان باشد. تعدد و تنوع اندیشه را به سود نهائی کشور بشناسد، به شرط آنکه این اندیشه در حد معقول و به طرز صمیمانه‌ای ابراز شود.

با تشکر از حضرت‌عالی که وقت خود را در اختیار کتاب‌ماه ادبیات قرار دادید و پاسخگوی سؤالات ما بودید.



شده، نقد متناسب با آن، ضرورت می‌یابد. فرآورده‌های یک فرهنگ زمانی به درد می‌خورد که بتواند «به روز» بشود، یعنی امروز به کار آید.

در تاریخ ادب ایران، چندین شاهکار بزرگ ادبی خودنمایی می‌کنند، هر قدر به زمان معاصر نزدیک می‌شویم، از این نوع شاهکارها کمتر مشاهده می‌کنیم. گاهی انسان گمان می‌کند ذوق این ملت خشکیده! دیدگاه حضرت‌عالی در این باره چیست؟

اسلامی ندوشن: ذوق این ملت نخشکیده است. زمینه مناسب برای شکفتگی لازم دارد. اما استعداد افراد به منزله بذر است. باید زمین مناسبی باشد که در آن افشانده شود تا حاصل بدهد. دوره ما بیشتر شبیه به «بزاز بفروش» ادبی است. زمینه‌ها و «رسانه‌ها» خریدار متاع سطحی هستند، و فروشنده طبعاً جنس خود را مطابق خواست خریدار تولید می‌کند. دستگاه‌های رسمی هم آنچه را که به نفع حاکمیت خود می‌بینند، دست نوازش به سرش می‌کشند. بنابراین اثر ارزنده پدید آورده نمی‌شود مگر به طور استثنا.

طیب عشق مسیحا دم است و مشفق لیک

چو درد در تو نبیند که را دوا بکند؟

مطالعات ادبیات تطبیقی از مباحث بسیار مهم مطرح در حوزه ادبیات است. بفرمائید ضرورت طرح این مباحث چیست و چه فایده‌ای می‌تواند عاید فرهنگ ما کند؟

اسلامی ندوشن: ادبیات تطبیقی، یعنی بازنمود تشابه‌ها میان دو اثر در دو زبان، چه این تشابه اقتباسی باشد، چه اتفاقی. تطبیق، به درک بهتر موضوع کمک می‌کند و بهره‌وری بیشتر می‌بخشد. این نیز جزئی از جهانی شدن امور است که در دوران جدید بر اثر فشرده شدن ارتباطات، داده‌های ذهنی هر کشور را به آن سوی مرزها روانه می‌کند.

ادبیات تطبیقی می‌نماید که اندیشه‌های آدمیان در بنیاد به یک سرچشمه می‌رسند، و به رغم اختلاف‌های فرعی و طرز بیان، خویشاوندی‌هایی در میان آنهاست. فی‌المثل، مردم دنیا در هر نقطه از جهان یکسان عاشق می‌شوند، اما همگی به نحو یکسان عشق خود